

اگر از فوتبال و دردها یش بگویم

وقتی کانال هیئت فوتبال استان خبر انتصاب سرپرست دبیری را منتشر کرد یکی از دوستان و استخوان خرد کرده‌های فوتبال به من گفت که چرا در مورد چگونگی این امر چیزی نمی‌نویسیم آیا بهتر نیست دلایل انتصاب جدید و برکناری بی‌موقع دبیر بازگو شود و جامعه در جریان قرار بگیرد؟ مردم که بیگانه نیستند بارها از سوی مسئولان کشور و نظام تاکید شده‌است که ضامن حفظ اعتماد بین مسئولین و جامعه، شفافیت می‌باشد.

گفتم که در مورد برخی از انتصاب‌ها در هیئت فوتبال استان بارها نوشته‌ام مخت اما از ده سال گذشته تا کنون کسی گوشش به این حرفها بدهکار نبود و جایگزینی دبیر با سرپرست دبیری اقدامی تعجب‌انگیز و سوال‌برانگیز است اما نباید زیاد در این‌مورد حساس باشیم چراکه اگر می‌نویسیم هم نمی‌توانیم جامعه جواب قانع‌کننده به مطلب و یا سوال‌های مطرح‌شده در این‌ارتباط را شاهد باشیم.

مثلاً اگر بنویسیم که در سال‌های گذشته در فوتبال ما بیست و هشت برابر با سی و پنج و یا کاردانی مساوی با کارشناسی بوده اتفافی می‌افتد و اعترافی صورت می‌گیرد؟

اگر بگویم در سال‌های اخیر صعود و سقوط در رقابت‌های فوتبال اردبیل مفهومی نداشته مگر اتفافی می‌افتد؟ کشی چرایی این کار را پیگیری می‌کند و به واقعیت حاتم می‌دهد؟

اگر بگویم که سال‌هاست در فوت درب فوتبال شهرستان اردبیل را تخته کردند و از سال‌ها قبل هواداران مرگ آن را به تماشا نشسته‌اند در رفتارها و موضع‌گیری مسئولین تغییری حاصل می‌شود؟

اگر بگویم متولی ورزش شهرستان به چه دلیل و علتی دل مقابل وضعیت فلاکت‌بار فوتبال حوزه مسئولیتش عکس‌العملی نشان نمی‌دهد و حرفی نمی‌زند و اقدامی نمی‌کند به قبال آقایان برمی‌خورد و به فکر جبران می‌افتند؟

بود اگر بگویم که تیم فوتبال ما به پلک زدن یک داور در لیگ برتر و سوق دادن چند تای آن‌ها در دیگر رده‌ها و سطوح لیک خلاصه‌شده و مانور دادن در اطراف آن به کار روزمره‌ای تبدیل گردیده آیا تغییری در رفتارها و بزرگنمایی‌ها به وجود می‌آید؟

اگر بگویم به چه دلیل و علتی مجوز لازم برای حضور در لیگ به اصطلاح برتر به تیمی که فصل قبل امتیاز خود را فروخته است صادر می‌شود و آبی از آب تکان نمی‌خورد؟

اگر می‌گویم خجالت و کر معاون است که تیم‌های شهر اردبیل در رقابت‌های به اصطلاح لیگ برتر از آخرین جدول رده‌بندی اول و دوم و سوم می‌شوند دل مسئولین به حالش می‌سوزد و دست‌اندرکاران مربوطه‌اش را برای به وجود آمده چنین وضعیتی پای میز مدرسه و تعیین علل امر می‌کشاند و سین‌جیم می‌کنند؟

اگر بگویم که باید در مجمع انتخاباتی به برنامه، پیشینه کمان موقعیت اجتماعی و ورزشی، به صداقت و راست‌گویی، به بی‌طرفی و اخلاق‌مداری کاندیداها رای بدهند امکان گسستن زنجیره‌های به هم تنیده‌ی رابطه‌ها فراهم می‌شود؟

اگر بگویم در آستانه برگزاری مجمع انتخاباتی، جابه‌جایی رؤسای هیئت برخی از شهرستان‌ها کاملاً اتفاقی و نه از برای مهندسی کردن آن بوده است کسی باور می‌کند؟

و اگر بگویم که امور فوتبال را باید مهوش بسپارند و فضای آن را از هر گونه تبعیض و جانبداری‌های تابلودار دور نگاه دارند آیا در روند امور تاثیر می‌گذارد؟

تلگراف جدید عمومی کنید این مواد را کسانی که در انتخاب رئیس هیئت مؤثراند نمی‌دانند و به آن ایمان ندارند علامت سوال آیا آن‌ها از جنایت فوتبال شهدا طرفم اطلاع ندارند و چیزی در مورد آن نمی‌دانند علامت سوال قطعاً می‌دانم و بسیار بهتر از من و امثال من در جریان حال‌وروز فوتبال منطقه هستند ولی بهم دلیلی که بوده باشد خوب توجه کنید بهم دلیلی که بوده باشد آن‌ها از مدت‌ها قبل تصمیمشان را گرفته‌اند و دینی قرار گذاشته‌اند و به نظر می‌رسد که تن به عدول از تصمیم گرفته‌اند رضایت نمی‌دهند.

برای همین است که امیدواری برای بهبود وضعیت برگزاری منظم مسابقات، قرار گرفتن فوتبال روی ریل احیا و نفس‌کشیدن آن و نفس‌کشیدن فوتبال شهر اردبیل بحثی عبث و روحیه و مصداق آب در هاون کوبیدن است.

دلیل این ادعا نقل آبی نیز که از طرف برخی‌ها می‌شود، ای معین تکلیف فوتبالی خون تامسون هزار و چهارصد و چهار مشخص است برای

دیگران تا آن تاریخ نشستن بر صندلی مدیریت فوتبال همچنان باید به‌عنوان یک رؤیا مطرح باشد.

او در نامه بدا به حال فوتبال که آخرین نفس‌هایش را در زیر چکمه‌های بیگانه می‌کند و خودمحوری و مقام‌پرستی به شمارش افتاده و با وضعیت موجود امیدی برای بهتر شدن حال‌وروز آن وجود ندارد